چنانچه هر یک از دو نصف بطن مقدم از بطن موخر بزرگتر است و بعضی اشخاص بر آمدگی پیش سر ندارند
و بعضی بر آمدگی عقب سر ندارند و بعضی هیچکدام از آن دو بر آمدگی ندارند و تفصیل هر یک بعد از این مذکور
خواهد شد و در غالب اشخاص که دو بر آمدگی در سر ایشان هست سه درز حقیقی که درز اکلیلی
و سهمی و لامی است و دو درز کاذب قشری در استخوانهای سر ایشان هست پس اگر هر یک از
دو استخوان یافوخ که استخوان قحف میگویند و بجای سقف است در میان سر بیکدیگر متصل شده بحسب شکل
چهار ضلع دارند مانند مربع لیکن آن ضلع متصل بجدار یمین و یسار کوچکتر است از آن ضلع که در هر دو
استخوان بهم رسیده اند یعنی از درز سهمی که بعد از این مذکور میشود و آن دو ضلع دیگر که یکی مشترک است
میان استخوان یافوخ و جدار مقدم و دیگری مشترک است میان استخوان یافوخ و جدار موخر متوازی
بیکدیگر نیستند بلکه ضلع اول از این دو ضلع نزدیک میشود به ضلع دوم هر چند از میان سر به
اسفل میل میکنند و هر یک از این دو استخوان با یکدیگر درز حقیقی دارند یعنی از هر کدام زیادتی بلندیها
در گود و بستر داخل میشود چنانکه بمنزله یک استخوان شده اند و ضلعهای این زیادتیها و گودیها
متوازی نیستند مانند انگشتان که داخل یکدیگر کنند و شکل مثلث نیز نیستند بلکه در اول زیادتیها
کم عرض است و هر چند پیشتر میرود عرض بیشتر میشود مانند مثلث معکوس تا استخوانهای یافوخ
بیشتر استحکام داشته باشند و از یکدیگر جدا نتوانند شد و این درز مستقیم حقیقی که میان دو استخوان
واقعست درز سهمی میگویند و همچنین درز میان هر یک از این دو استخوان و استخوان ...
و استخوان عقب سر که درز اول اکلیلی است و دوم لامی است چنانچه مذکور شد
حقیقی است پس هر یک از این دو استخوان یافوخ چهار ضلع دارد یکی درز سهمی و یکی حصه
از اکلیلی حقیقی و یکی از لامی حقیقی و یکی درز کاذب قشری که با جدارها
عظم ویست دارند و بعد از این مذکور خواهیم ساخت و صورت این دو استخوان

این

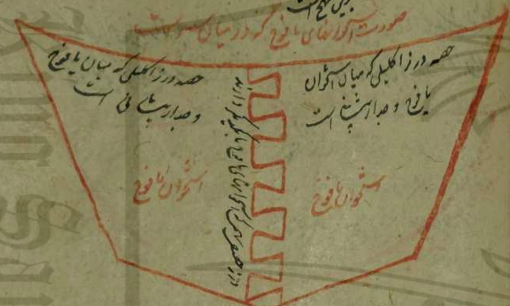

و در پیش این دو استخوان جدار مقدم است که استخوان جبهه است و این جدار مقدم را دو درز احاطه
کرده است یکی درز مستقیم که ازافی است در اکثر مواضع که از بناگوش تا بناگوش آمده است
میان استخوان پیشانی و استخوان ... علی و از زیر موی ابروها گذشته است چنانکه موهای ابرو از این درز
بیرون آمده است و باین سبب است که چون رطوبت غریزی در بدن کم میشود در پیری و از پی در از بودن
بسبب خشکی استخوانها فراخ میشود موی ابرو در پیری دراز میشود و این درز را درز حاجبی میگویند
دوم درز اکلیلی حقیقی که میان استخوانهای یافوخ و این جدار واقعست و این درز بشکل
کمان است و ممدود است از بناگوش تا بناگوش آمده است و بوسط مقدم سر گذشته است
در محاذی وسط بطن مقدم دماغ پس آن درز حاجبی بمنزله وتر این درز اکلیلی است و این درز
اکلیلی در بعضی مواضع مشترک است میان استخوانهای یافوخ و این جدار ... و در بعضی مواضع مشترک است
میان استخوانهای جدار ... با این استخوان ... و در بعضی اشخاص به ندرت آن درز سهمی این
استخوان ... را تنصیف کرده است و تا بمیان ابروها آمده است پس این استخوان ... دو استخوان
شده است اما در غالب اشخاص یک استخوان است و چون این درز اکلیلی در موضع واقعست